



## زمانی که خبر جاسوسی سفارت آمریکا جای خود را به ویکی لیکس می‌دهد

دون شک ویکی لیکس تا مدتها در سوئد حرف اول و آخر رسانه ها را خواهد زد. در حالی که خبرهای منتشر شده در مورد جاسوسی سفارت آمریکا در سوئد و نروژ به دلیل انتشار اسناد ویکی لیکس به دست فراموشی سپرده شده است.

دون شک ویکی لیکس تا مدتها در سوئد حرف اول و آخر رسانه ها را خواهد زد. در حالی که خبرهای منتشر شده در مورد جاسوسی سفارت آمریکا در سوئد و نروژ به دلیل انتشار اسناد ویکی لیکس به دست فراموشی سپرده شده است.

این روزها انتشار اخبار مربوط به دستگیری "جولیان اسنگ" بنیانگذار سایت جنجالی و مشکوک ویکی لیکس و دخالت سوئد در این دستگیری به تیتراژ اول رسانه‌های این کشور تبدیل شده است. جدال رسانه‌های سوئدی در این خصوص به گونه ایست که گویا دغدغه‌های امنیتی مهم‌تری در این کشور وجود نداشته و ندارد.

چندی پیش به دنبال افشای جاسوسی ایالات متحده آمریکا از طریق سفارت خود در نروژ، وزیر دادگستری سوئد اعلام کرد که سفارت آمریکا در استکهلم نیز جاسوسی‌های مشابهی را در این کشور انجام داده است. اما "بناتو آسک" پس از این افشاگری مهم ترجیح داد دیگر در خصوص آن سخنی نگوید و خبرنگاران و افکار عمومی سوئد را با دنیایی از سوال و ابهام رها کند.

برخی مقامات وزارت امور خارجه سوئد نیز سعی کردند فعالیت‌های جاسوسی ایالات متحده را در راستای انجام وظایف امنیتی قانونی این کشور در خاک کشورهای دیگر ارزیابی کنند. روابط صمیمانه "فردریک راینفلت" نخست وزیر و "کارل بیلت" وزیر امور خارجه سوئد با مقامات آمریکایی در این خصوص بی‌تاثیر نبوده است. با این وجود پارلمان سوئد سعی دارد مسئله را به صورتی مستقل‌تری نسبت به دولت پیگیری کند.

کمیته حفاظت از قانون پارلمان سوئد تحقیقات خود در خصوص جاسوسی سفارت ایالات متحده در استکهلم را آغاز کرده است. در این تحقیقات مقامات سابق و فعلی وزارتخانه‌های دفاع و دادگستری سوئد به پارلمان خوانده می‌شوند تا اطلاعات لازم در خصوص فعالیت‌های سفارت آمریکا طی سال‌های اخیر را ارائه نمایند. این کمیته اطلاعات مربوط به جاسوسی سفارت آمریکا از شهروندان سوئدی را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما در این خصوص دولت و پلیس امنیت سوئد باید همکاری مستقیمی با پارلمان داشته باشند. در هر صورت جنس اطلاعاتی که این کمیته پارلمانی نیاز دارد کاملاً امنیتی است و دستگاه‌های امنیتی سوئد به راحتی می‌توانند وجود این اسناد را منکر شوند. با این حال فشار افکار عمومی سوئد در این خصوص پایانی ندارد. در چنین شرایطی ورود پرونده ویکی لیکس به معادلات سیاسی استکهلم جای تامل دارد.

این روزها حتی رسانه‌هایی که پیشگام تحقیق و تفحص در خصوص جاسوسی سفارت آمریکا در استکهلم بودند توان خود را بر روی دستگیری "جولیان آسانز" و نحوه ادامه فعالیت سایت ویکی لیکس متمرکز کرده‌اند. جالب توجه اینکه در این میدان بازی نام وزیر دادگستری سوئد که دستور دستگیری آسانز را صادر کرده است به صورت پررنگ به چشم می‌آید. این بار همه از "آسانز" به عنوان فردی نام‌می‌برند که سایت او از سوی هک‌های حامی ویکی لیکس مورد حمله قرار می‌گیرد. بدیهی است که به گردش در آمدن نام وزیر دادگستری سوئد در پرونده ویکی لیکس و بنیانگذار این سایت بهتر از به گردش در آمدن نام او در اخبار مرتبط با جاسوسی سفارت آمریکا در استکهلم است.

در برهه‌ای که پرونده ویکی لیکس به عنوان یک عایق جنجالی منجر به انحراف حساسیت افکار عمومی سوئد نسبت به جاسوسی سفارت آمریکا در استکهلم شده است، ابهام مهمی در این خصوص به ذهن خطور می‌کند:

"آیا در افشاگری‌های ویکی لیکس سهمی برای جاسوسی ایالات متحده در کشورهای اسکاندیناوی، مخصوصاً سوئد متصور است؟" سایت مشکوک و جنجالی ویکی لیکس بخشی از گزارش‌های خود را به کشورهای اسکاندیناوی اختصاص داده است. سهم نروژ در این میان نسبت به سایر کشورهای اسکاندیناوی بیشتر است. بر این اساس 763 سند ادعایی در سایت ویکی لیکس به فعالیت‌های سفارت ایالات متحده آمریکا در اسلو مربوط می‌شود. در این خصوص 671 سند ادعایی مربوط به سوئد، 601 سند مربوط به فنلاند و 297 سند ادعایی دیگر مربوط به دانمارک می‌شود.

این اسناد در نوع خود رسانه‌پسند هستند ولی افشای اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از نخست وزیر سوئد به عنوان فردی محتاط و محافظه‌کار نام می‌برد می‌تواند خبر جالب توجهی برای رسانه‌های سوئدی باشد. همچنین پرده برداری ادعایی از جلسات رهبران حزب سوسیال دموکرات سوئد با دیپلمات‌های آمریکایی و واکنش‌های به وجود آمده از سوی سران این حزب می‌تواند خوراک خبری رسانه‌های این کشور را برای هفته‌ها یا شاید ماه‌ها تامین نماید.

اما در این میان حلقه مفقوده‌ای وجود دارد که ویکی لیکس، دولت ائتلافی "فردریک راینفلت" در سوئد و کاخ سفید را به یکدیگر

پیوند می دهد. این موضوع همان جاسوسی سفارت ایالات متحده در استکهلم است. خط قرمزی که پنتاگون و سیا از ورود رسانه های سوئدی به آن وحشت دارند. در این میان ویکی لیکس توانسته است تا حدود زیادی این دغدغه سیاستمداران آمریکایی را برطرف سازد.

واقعیت امر این است که اسناد ویکی لیکس افشاکننده فعالیت های مخفی سفارت آمریکا در اسکانیدیناوی و کشورهایمانند سوئد و نروژ نیست. این در حالیست که از سال 2000 تا کنون واشنگتن فعالیت های مستمر و منظم جاسوسی و امنیتی را در این کشورها صورت داده است. این مسئله ای بود که توسط خود وزیر دادگستری سوئد افشا شد.

همان فردی که امروز درست در نقطه مقابل آسانژ بنیانگذار سایت ویکی لیکس قرار گرفته و دستور دستگیری او را صادر کرده است. بسیاری از رسانه های سوئدی این روزها در پی ایجاد ارتباط خبری با وزیر دادگستری کشورشان هستند اما دلیل این همه تلاش و تقلا کشف اطلاعاتی تازه در خصوص جرایم اخلاقی "آسانژ" است نه دسترسی به اطلاعات مربوط به جاسوسی سفارت آمریکا در استکهلم.

صورت مسئله در سوئد کاملاً شفاف است. انتشار اسناد ویکی لیکس و مباحث مطرح شده در خصوص وضعیت مدیر عامل این سایت در سوئد، منجر به انحراف پرونده جاسوسی سفارت آمریکا در استکهلم از مسیر قبلی خود شده است. اگر تا دو ماه قبل کشف جزئیات جاسوسی سفارت آمریکا در سوئد به دغدغه رسانه های این کشور تبدیل شده بود، امروز اثبات یا عدم اثبات روابط جنسی نامشروع مدیر سایت ویکی لیکس به دغدغه و رسالت رسانه ای آنها تبدیل شده است.

طی روزهای اخیر گمانه زنی های مختلفی بر سر ارتباطات دو دولت سوئد و آمریکا بر سر موضوع ویکی لیکس مطرح می شود. برخی کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین الملل عدم اعطای اقامت دائم سوئد به آسانژ و اعلام دستور دستگیری او از سوی وزارت دادگستری سوئد را محصول توافقات پشت پرده سیاسی و امنیتی واشنگتن و استکهلم می دانند. در هر صورت مفتوح شدن پرونده ویکی لیکس فرصت تنفس مناسبی را برای دیپلمات های آمریکایی در استکهلم فراهم آورده است تا در سایه انحراف توجه افکار عمومی و رسانه ها کمی به بازیابی توان از دست رفته خود بپردازند.

بدون شك ویکی لیکس تا مدتها در سوئد حرف اول و آخر رسانه ها را خواهد زد. هر يك از 671 سند ادعایی منتشر شده از سوی ویکی لیکس (در مورد سوئد) می تواند دستمایه ای برای مانور خبری و تحلیلی و نقطه اختلافی برای تنازع سیاسی احزاب با یکدیگر باشد. اسنادی که هر اندازه در آن بگردیم اطلاعاتی در خصوص جاسوسی ایالات متحده در استکهلم پیدا نمی کنیم. آیا در چنین شرایطی نباید نسبت به رفتار دو دولت آمریکا و سوئد از يك سو و ماهیت فعالیت های ویکی لیکس از سوی دیگر مشکوک بود؟